

دو دیگر از هزارویک شب

علاءالدین و چراغ جادو و علی بابا و چهل دزد

ترجمہ:

محمد رضا مرعشی پور

امیر ستار مرعشی پور

تصویرگر: محمد علی بنی اسدی



انتشارات نیلوفر

فهرست

- ۷ دو کلمه
- ۱۷ علاء الدین و چراغ جادو
- ۱۳۱ علی بابا و چهل دزد

در آغاز سده‌ی هژدهم میلادی نخستین ترجمه از هزارویک شب به یک زبان اروپایی به وسیله‌ی آنتوان گالان انجام گرفت. نامبرده از ۱۷۰۴ تا ۱۷۱۷ هزارویک شب را در ۱۲ جلد در پاریس به زبان فرانسه منتشر کرد که از آن پس مبنای ترجمه‌هایی دیگر، هم به زبان فرانسه و هم به زبان انگلیسی، آلمانی و حتا عربی و زبان‌های دیگر شد.

هزارویک شب، پس از انتشار ترجمه‌ی گالان، در غرب غوغایی به پا کرد. بر ادبیات آن سامان تأثیری شگفت‌انگیز گذاشت و بعدها نیز آثار هنری فراوانی از فیلم‌های سینمایی و انیمیشن‌ها گرفته تا تئاتر و موسیقی و باله و ... بر اساس آن پدید آمد.

تأثیری که هزارویک شب، از سده‌ی هژدهم به بعد، بر ادبیات و هنر غرب و سپس دیگر نقاط جهان گذاشت، کمتر از تأثیر کتاب مقدس (عهد قدیم و عهد جدید) که آن هم یک مجموعه‌ی شرقی به شمار می‌آید، نبود. بسیاری از مردم با این‌که هرگز این کتاب را باز نکرده‌اند، باز هم آگاهی زیادی از آموزش‌ها و داستان‌های‌اش دارند. به همین ترتیب، مردمی که هزارویک شب را نخوانده‌اند، ممکن است داستان‌های علاءالدین و چراغ جادو یا علی‌بابا و چهل دزد را بدانند یا دست‌کم با آن‌ها آشنا باشند. این دو داستان در زمره‌ی مشهورترین داستان‌های هزارویک شب‌اند، اما شگفت‌آور است که در هیچ‌یک از دست‌نوشته‌ها یا چاپ‌های این مجموعه وجود ندارند و تنها پس از ترجمه‌ی گالان است که مطرح می‌شوند.

همه‌ی نویسندگانی که به ترجمه یا تصحیح و تنظیم هزارویک شب پس از گالان پرداخته‌اند، یا این دو قصه را نیاورده‌اند، مثل ترجمه‌ی لین، یا اگر آورده‌اند، از ترجمه‌ی گالان استفاده کرده‌اند؛ مثل برتُن که چون اصلی عربی برای این داستان‌ها پیدا نکرد، ترجمه‌ی گالان به زبان هندوستانی را به انگلیسی برگرداند تا شاید به حال و هوای اصلی داستان‌ها دست یابد.

بعدها، نسخه‌های عربی دست‌نویسی از داستان علاءالدین پیدا شد، مثل نسخه‌ی دنیس چاوپس که یک کشیش سوری بود، و نسخه‌ی صباغ که خود می‌گفت آن را

هزار و یک شب



از یک نسخه‌ی خطی مربوط به سال ۱۷۰۳ در بغداد رونویسی کرده است، اما روشن شد که هر دو جعلی بوده و از روی کار گالان ترجمه شده‌اند. در مورد داستان علی‌بابا هم نسخه‌ای به قلم یوحنا وریشی در ۱۸۶۰ به دست آمد که باز هم آشکار شد ساخته و پرداخته‌ای از ترجمه‌ی گالان بوده است.

نسخه‌ای که آنتوان گالان ترجمه‌اش را بر پایه‌ی آن گذاشته بود، به وسیله‌ی زوتن برگ شناسایی و مورد بررسی قرار گرفت. این نسخه در دوره‌ی سلاطین مملوک، در سده‌ی چهاردهم و در سوریه (شام) نوشته شده است و هم‌اکنون در کتابخانه ملی پاریس نگهداری می‌شود. این نسخه ۲۸۱ شب و حدود ۴۰ داستان را دربر می‌گیرد و نموداری از هسته‌های اصلی داستان‌های هزارویک شب و مبنای کار بسیاری از نسخه‌برداران و نویسندگان دیگر بوده است که مجموعه‌ای گسترده‌تر را بر پایه‌ی آن پدید آورده‌اند. این نسخه اوج تحول هزارویک شب را از زمان ساسانیان تا روزگار مملوکان می‌نمایاند.

به هر روی، نسخه‌ی مبنای گالان چند داستان و از جمله علاءالدین و علی‌بابا را ندارد، پس گالان از منابع دیگری نیز برای ترجمه‌اش سود برده است. غیر از نسخه یا نسخه‌های دست‌نوشته‌ای که امکان دارد در اختیار داشته و بعدها از بین رفته بوده‌اند، هیچ بعید نیست از حافظه‌ی کسانی استفاده کرده باشد که برخی از این داستان‌ها را با خود داشته‌اند که یکی از آنان شناخته شده است؛ او یکی از مسیحیان مارونی اهل شهر حلب به نام حنادیاب بوده که بسیاری از این داستان‌ها را در یاد داشته و ممکن است برخی از آن‌ها، به ویژه علاءالدین و علی‌بابا را، به هر شکلی تهیه و در اواخر کار گالان برای او فرستاده یا گالان خود این قصه‌ها را از افسانه‌های قدیم عامیانه‌ی خاور دور یا نزدیک گرفته و به مجموعه‌اش افزوده است، چون می‌بینیم که در آن‌ها دیگر از شهرزاد خبری نیست و شیوه‌ی بیان به گونه‌ای دیگر است.

برخی ناقدان گالان را متهم می‌کنند که این قصه‌ها را خود ساخته و به هزارویک شب اضافه کرده است، اما با توجه به ساختار و مشخصات آن‌ها به نظر نمی‌آید او چنین کرده باشد. این‌گونه قصه‌ها رؤیاهای جمعی اقوام‌اند، مصنف ندارند و مثل